خلاقیت زیر سایه اشغالگر

نگاهی به مجموعه‌داستان «کتاب رام‌ا...»



احمد آقایی
فعال فرهنگی

ناشر بین‌المللی کاما، ظاهرا پس از آغاز دوران همه‌گیری کرونا، از داستان‌نویسان و هنرمندان چند شهر گوناگون در قاره‌های مختلف جهان (شهرهایی مانند استانبول، قاهره، ونیز، لیورپول، نیویورک، خارطوم، غزه، لندن، بریستول، جاکارتا و همین‌طور «رام‌ا...» در فلسطین اشغالی) دعوت کرده است که داستان‌هایی کوتاه بیافرینند، با محوریت شهر محل تولد یا سکونتشان؛ ایده‌ای خلاقانه و درخشان برای تولید چند مجموعه‌داستان که یا محل وقوع رویدادهای آن‌ها (چه در گذشته و در قالب خاطرات راوی یا شخصیت‌های داستان و چه در زمان حال روایت) آن شهر موردنظر است؛ یا در قالب‌هایی متفاوت و مدرن‌تر، خود شهر یکی از شخصیت‌های داستان است؛ مانند داستان سوم از «کتاب رام‌ا...» که اتفاقا نویسنده‌اش دانش‌آموخته رشته معماری و شهرسازی است. داستانی با عنوان «رازهای جاری در خیابان‌های شهر» که راوی اول‌شخص آن، شهر رام‌ا... است. این راوی اول‌شخص که در مواردی، به راوی دانای کل همه‌چیزدان اما امین و رازدار مردمانش بدل می‌شود، در بخشی از داستان می‌گوید: «هر روز من نقش الهه‌ای را داشتم که سر به گوش مردمم می‌گذاشتم و رازها در گوششان می‌گفتم. مثلا امروز یک زن جوان دلش را سر خیابانی جا گذاشت. نمی‌گویم کدام خیابان. زیرا این رازی است میان من و او (ص۴۲)».

بنا به آنچه در مقدمه دبیر مجموعه آمده است (ص۹)، شهر رام‌ا... در قلب کرانه باختری و در فاصله ۱۶ کیلومتری شمال قدس اشغالی قرار دارد. این شهر که حدود هفتاد هزار نفر جمعیت دارد و مقرّ چند وزارتخانه دولت فلسطین و تعدادی اردوگاه پناهجویان است، دارای یکی از معروف‌ترین ایست و بازرسی‌های ارتش اشغالگر قدس، به نام قلندیا است. عبور از این ایست و بازرسی که در جنوب رام‌ا... و در مسیر قدس و الخلیل قرار دارد، حدود یک و نیم ساعت زمان می‌برد که خود این امر، موضوع دهمین و آخرین داستان مجموعه است که با نگاهی طنزآمیز، به معطلی در قلندیا پرداخته است. راوی اول‌شخص این داستان با عنوان «در ایست و بازرسی قلندیا»، جوانی است کُرد، با نام صلاح‌الدین که مادرش او را حین معطلی در همین ایست و بازرسی به دنیا آورده است! وی در پاسخ به افسر ایست و بازرسی که از او می‌خواهد کمی از خودش بگوید، چنین می‌گوید: «من کسی‌ام که قراره اورشلیم رو آزاد کنه و آفتاب رو به حیفا برگردونه! من اونی‌ام که قراره دست‌تنهایی همه آواره‌ها رو برگردونه و جهان عرب رو متحد کنه (ص۹۳)»؛ و در جواب افسر رژیم اشغالگر که به او گوشزد می‌کند که «شما کُرد هستین و به عرب‌ها چکار دارین؟»، با حاضرجوابی وزیرکی تمام می‌گوید: «شما هم روس هستین، فلسطین به تو چه؟ (ص۹۴)».

نخستین داستان مجموعه، با عنوان «عشق در رام‌ا...» نیز داستان قرص و محکمی است، در سه بخش یا اپیزود، که پس از بخش مقدماتی نخست، دو اتفاق ویژه و کمیاب را محور بخش‌های دوم و سوم خود قرار داده است، دو اتفاقی که باز هم در همین ایست‌های بازرسی ارتش اشغالگر رخ می‌دهد و تأثیر ماندگاری بر ذهن و ضمیر خواننده بر جای می‌گذارد. این داستان موجز و دقیق و زبان‌محور، چند تعبیر فراموش‌نشدنی دارد که اشاره به بعضی از آن‌ها خالی از لطف نیست: «دختر با چشمانی آبستن اشک به پسر نگاه کرد (ص۲۳)». اینکه چشم در لحظات قبل از گریستن را به بانویی آبستن تشبیه کنیم که نوزادش اشک است، فوق‌العاده لطیف و شاعرانه است، یا «دختر به مرد جوانی نگریست که انگار صدای نگاهش را شنیده بود (ص۲۵)». شنیدن صدای «نگاه» تعبیری بس شاعرانه است و مصداق تکنیک «آشنایی‌زدایی» از حواس؛ و یادآور عنوان مجموعه‌شعری از دکتر شفیعی کدکنی، با نام «آیینه‌ای برای صداها». معمولاً آیینه را روبه‌روی دیدنی‌ها قرار می‌دهند نه شنیدنی‌ها، و از آن طرف، نگاه صدا ندارد که بتوان آن صدا را شنید. اما در عالم هنر، این هر دو، هم ممکن‌اند و هم زیبا.

این مجموعه، در کنار سه داستان فوق که اشاراتی گذرا به آن‌ها کردیم، هفت داستان دیگر نیز دارد که در کل، ۱۰ نویسنده مختلف آن‌ها را نوشته‌اند؛ نویسندگانی که در فلسطین و لبنان به دنیا آمده‌اند و بعضی، همچنان در آنجا زندگی می‌کنند. در این میان، هم نویسندگان باتجربه و مشهوری مانند ابراهیم نصرا... حضور دارند که رمان «دشت‌های تب‌زده» او را گاردین یکی از ۱۰ داستان مهمی شناخته که تاکنون درباره جهان عرب نوشته شده است (ص۸)؛ و هم نویسندگان جوان و کمتر شناخته‌شده‌ای مانند احمد جابر، نویسنده همان داستانی که راوی اول‌شخص‌اش، شهر رام‌ا... است. همچنین، این مجموعه هم شامل داستان‌های واقع‌گرا است، مانند داستان دوم با عنوان «پایان تلخ» و هم داستان‌های ناواقع‌گرا، مانند داستان ششم با عنوان «زن اسب» که با این جمله آغاز می‌شود: «من که دارم حرف می‌زنم، زن یک اسبم. (ص۶۵)»!

در پایان، ضمن دعوت علاقه‌مندان ادبیات و به ویژه یکی از هنری‌ترین گونه‌های آن، یعنی داستان کوتاه، به خواندن این مجموعه‌داستان خواندنی، با این امید نوشته امروز را به پایان می‌رسانیم که «مشهد» دوست‌داشتنی و عزیزمان نیز محور خلق داستان‌هایی کوتاه از نویسندگان مشهدی قرار گیرد و در آینده‌ای نزدیک، شاهد انتشار «کتاب مشهد» باشیم.



کتاب رام‌ا...
نوشته جمعی از نویسندگان
ترجمه سمانه کدخدایی مرغزار
نشر اندیشه مولانا، ۱۴۰۲
۹۶صفحه

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗

زنگنه: کمیسیون تلفیق با برخی از موادی که به نحوی حقوق مکتسبه بازنشستگان را تغییر و یا مورد کاهش قرار می‌داد، مخالفت کرد.

ویراسته ✓

زنگنه: کمیسیون تلفیق با برخی از موادی که به نحوی حقوق مکتسبه بازنشستگان را تغییر و یا کاهش می‌داد، مخالفت کرد.

نکته

آیا «کاهش می‌داد» اشکالی دارد که عبارت شلخته و نامعیار «مورد کاهش قرار می‌داد» را استفاده می‌کنیم؟

#زین_قند_پارسی

شهرآرا
۳شنبه
۱۷ مرداد ۱۴۰۲
۲۱ محرم ۱۴۴۵
شماره ۴۰۰۶
SHAHRARANEWS.IR

بررسی تأثیر تورم و افزایش هزینه تولید کتاب بر کار گرافیست‌ها و ویراستاران

کاهش کیفیت از روی جلد تا متن

بضاعت کتاب و کتاب‌خوانی مشهد



گرانی و کاهش شمارگان؛ عامل کاهش جلدهای خلاقانه

احسان رضایی، طراح و گرافیست و صفحه‌آرا که بیست سال سابقه کار در حوزه کتاب دارد، می‌گوید: بعد از دوران دانشجویی با ناشری تازه‌کار آشنا شدم و آن زمان برای صفحه‌آرایی، صفحه‌ای دو هزار تومان قرارداد بستیم. بعد با انتشارات قفنوس آشنا شدم که از آن‌ها سفارش زیاد می‌گرفتم، چون هم کار را سریع تحویل می‌دادم و هم سعی می‌کردم کیفیت بهتری ارائه بدهم. آن زمان قیمت طراحی هر جلد کتاب ۲۰۰ هزار تومان بود. از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ دوره خوبی بود و به صورت حرفه‌ای کار می‌کردم.

او ادامه می‌دهد: بعد از سال ۹۰ به مرور به علت افزایش هزینه‌های تولید کتاب، ناشران خیلی کمتر سراغ ما می‌آمدند. برای ناشر یا نویسنده‌ای که می‌خواست کتابی منتشر کند خیلی مقرون به صرفه نبود با گرافیست حرفه‌ای کار کند. یک گرافیست را که معمولا از دانشجویان تازه‌کار بود، استخدام می‌کردند تا با هزینه‌ای بسیار کم، کاری بسیار ساده تولید کنند. وضع به مرور بدتر هم شد. اکنون هزینه طراحی جلد حدود ۵ میلیون تومان و هزینه صفحه‌آرایی برای هر صفحه حدود ۸۰ هزار تومان است. برای ناشر صرف نمی‌کند این هزینه را بدهد. الان شاید سالی سه چهار سفارش کتاب به من می‌شود و این تعداد برای من بعد از بیست سال کارکردن خیلی کم است. تازه با قیمت خیلی پایین‌تر هم سفارش را قبول می‌کنم. به جای ۸۰ هزار تومان باید با صفحه‌ای ۱۵ هزار تومان کار کنیم، آن هم اگر سفارش باشد!

رضایی کاهش شمارگان کتاب را هم از دلایل کم شدن رغبت ناشران به هزینه کردن برای کتاب می‌داند و می‌گوید: علاوه بر گرانی در همه حوزه‌های صنعت نشر، وقتی شمارگان کتاب پایین بیاید دیگر ناشر از نظر اقتصادی منطقی نمی‌داند که مثلا برای کتابی با شمارگان ۵۰۰ نسخه‌ای ۲۰ میلیون تومان پول طراحی جلد و صفحه‌آرایی بدهد. اگر چنین هزینه‌ای را متقبل شود طبیعتا این کار بر قیمت نهایی کتاب تأثیر می‌گذارد و مصرف‌کننده هم نمی‌آید کتاب گران قیمتی را بخرد. فکر می‌کنم اگر سفارش کار برای صفحه‌آرا یا گرافیست کم شده و بازار خوبی ندارند به این خاطر است که هزینه‌هایی که ناشر باید پرداخت کند خیلی زیاد شده است. تولیدکننده یا باید قید کیفیت را بزند یا برایش مهم نباشد قیمت پشت جلد چقدر می‌شود.

این گرافیست خاطرنشان می‌کند: همین باعث شده که خیلی کارهای ساده و یکدست ببینید مگر اینکه ناشری وضع مالی خوبی داشته باشد یا نویسنده‌ای که می‌خواهد کتابش با کیفیت منتشر شود برایش مهم نباشد چقدر هزینه کند. آسیب این روند از سوی دیگر این است که آن کسی که زمان زیادی به او سفارش کار مناسب نمی‌رسد، از این حوزه دور می‌شود. حتی می‌بینم تعداد سفارش‌های دریافتی گرافیست‌های حرفه‌ای هم -که کارشان را دنبال می‌کنم- به‌شدت کم شده است. هنر عرصه‌ای است که باید خودت را به روز نگه داری، مگر اینکه صاحب سبک خاصی باشی. اما وقتی به گرافیست سفارش کار نرسد به مرور چشمه خلاقیتش خشک و از این عرصه دور می‌شود و بعضی حتی می‌روند سراغ کار دیگر. هنرمند اگر خلق اثر نداشته باشد واژه هنرمند برایش معنا و مفهومی ندارد. مخاطب هم آسیب می‌بیند چون طرح جلد خوب و جدید و خلاقانه‌ای نمی‌بیند.

رضایی راه بهبود وضعیت را بهترشدن اوضاع اقتصادی می‌داند و می‌گوید: مسلما وضعیت اقتصادی مهم‌ترین عامل در این حوزه است. ناشر اگر وضع مالی خوبی داشته باشد، فروش خوب و شمارگان بالایی داشته باشد، می‌تواند سراغ گرافیست و طراح جلد خوب هم برود و برای کیفیت کارش هزینه کند. اما وقتی همه‌چیز صنعت کتاب، از کاغذ تا جوهر، وارداتی است و هزینه‌های آن بسیار بالا، توان ناشر هم نسبت به تورم کم می‌شود.

ناشر برای کاهش هزینه از ویراستاری خوب می‌گذرد

سیدحمید حیدری ثانی با ارائه سابقه‌ای از فعالیتش به‌عنوان ویراستار می‌گوید: من از سال ۱۳۸۸ به‌صورت حرفه‌ای به ویرایش مشغول شدم و در این چهارده سال صرفا ویراستار بوده‌ام. آن زمان دولت تمایل داشت تعداد ناشران بیشتر شود؛ برای همین، با حمایت از صدور مجوز نشر و... باعث شد آمار ناشران از ۱۰ هزار هم بگذرد. حمایت‌هایی مانند یارانه کاغذ برای بسیاری جذاب بود. هدف این بود که درنهایت، آمار کتاب‌خوانی بیشتر شود. وقتی دلار جهش قیمتی کرد و کاغذ از بندی حدود ۳۰ هزار تومان به حدود ۷۰ هزار تومان رسید، خیلی از این ناشران صوری نتوانستند فعالیتشان را ادامه دهند. از همان زمان که وارد فضای حرفه‌ای ویرایش شده‌ام، در هر دولت با افزایش عجیب قیمت کاغذ و کتاب روبه‌رو بوده‌ام و این مستقیما تحت تأثیر قیمت دلار بود. در نگاه کلان، با افزایش قیمت‌ها کار برای ناشران صوری یارانه بگیر که صرفا فضای حرفه‌ای صنعت نشر را گل‌آلود می‌کنند، دشوار می‌شود و با حذف این ناشران، فضای نشر حرفه‌ای‌تر می‌شود. ناشرانی در این فضا می‌توانند دوام بیاورند که کار حرفه‌ای‌تر و تخصصی‌تر تولید می‌کنند. البته منکر این نیستم که بسیاری از ناشران خوب هم بر اثر گرانی‌ها مجبور شده‌اند تعطیل کنند و این روی تلخ ماجراست. از آن طرف افزایش قیمت‌ها اثر مستقیم بر قیمت تمام‌شده کتاب دارد و کاهش مشتری هم از رونق بازار کتاب می‌کاهد.

بنیان‌گذار رسانه «خانه ویراستار» ادامه می‌دهد: وقتی هزینه‌ها زیاد شود، ناشر یا نویسنده توانش را ندارد برای ویرایش و طراحی جلد و صفحه‌آرایی خوب و... آن‌طور که باید هزینه کند و مجبور است از این قسمت‌ها بزند. چون مثلا نمی‌تواند از سخت‌افزار کار یعنی کاغذ یا چاپ بزند، سعی می‌کند در قسمت نرم‌افزاری یعنی ویرایش و صفحه‌آرایی و... صرفه‌جویی کند. به همین دلیل در طول این سال‌ها شاهد کاهش سفارش‌های ویرایش بوده‌ایم، البته باید اذعان کنم که با کاهش سفارش‌ها و تنگ‌تر شدن فضای حرفه‌ای، ویراستارانی توانسته‌اند در این عرصه به فعالیت ادامه دهند که خدمت تخصصی به ناشر می‌دهند و کار را حرفه‌ای و به معنای دقیق کلمه ویرایش می‌کنند. ما در نشر با افرادی روبه‌رو هستیم که ویراستار نیستند؛ اما عنوان ویراستار بر خودشان نهاده‌اند. این افراد مثلا به جای ویرایش، متن را یک دور با نرم‌افزارهای خطایاب مثل ویراستیار اصلاح می‌کنند و می‌گویند ویرایش کرده‌ام. تازه اگر همین کار را هم بلد باشند و بتوانند درست انجام دهند که خیلی وقت‌ها نمی‌توانند. در چنین وضعیتی که فضای کاری ویرایش تخصصی‌تر می‌شود، این ناویراستارهای ویراستارنما کمتر می‌توانند جولان دهند. البته نه اینکه این دسته کاملا بیکار شوند. زمانی که ناشر یا نویسنده‌ای با کمبود بودجه دست به گریبان است، به اشتباه سراغ این گروه از ناویراستاران می‌رود و بر اثر بی‌کیفیت بودن خروجی کار آسیب هم می‌بینند.

این مدرسِ کارگاه‌های ویرایش درباره کار با ناشران دولتی می‌گوید: برداشت من از تعامل با ناشران دولتی این است که این ناشران مانند ناشران خصوصی بر اثر گرانی کاغذ و... ورشکست نمی‌شوند؛ ولی کمیت کارهای ناشران دولتی در این سال‌ها کمتر شده و فرایندهای نشر کتاب آن‌ها نسبت به گذشته طولانی‌تر شده است. مثلا کتابی که خودم به سفارش کانون اندیشه جوان با عنوان «چگونه پژوهش کنم؟» نوشته‌ام، سه چهار سال در نوبت چاپ ماند تا سرانجام همین اواخر از زیر چاپ درآمد. ناشر دولتی که در گذشته مثلا ۱۰۰ عنوان کتاب در سال چاپ می‌کرد، الان ۲۰ عنوان را به سختی درمی‌آورد. ازطرفی این دسته از ناشران با توجه به محدودیت بودجه‌شان، حق الزحمه ویرایش را افزایش نمی‌دهند و با نرخ‌های قدیمی به فعالیت ادامه می‌دهند که درنتیجه، خودشان را از همکاری با ویراستاران باتجربه محروم می‌کنند. کارکردن با این دسته از ناشران خیلی سخت شده است؛ چون نرخ‌نامه‌هایشان مربوط به مثلا سه یا پنج سال قبل است.

عضو کارگروه تعرفه قیمت انجمن صنفی ویراستاران معتقد است ویرایش نشدن یا ویرایش ضعیف کتاب آسیب‌زاست. او خاطرنشان می‌کند: وقتی برای کاهش قیمت، کتابِ ضعیف با ویرایش ضعیف یا بدون ویرایش به بازار بیاید، مخاطب سرخورده می‌شود و دور کتاب خواندن را خط می‌کشد؛ چون می‌بیند کتابی را که خریده و برایش هزینه سنگینی کرده، نمی‌تواند بخواند، زبانش را نمی‌فهمد، پیامی به او منتقل نمی‌شود، اشکالاتی در متن وجود دارد که انگیزه‌اش را از بین می‌برد. البته این گروه، خوانندگان غیرحرفه‌ای هستند که کتاب را بدون ارزیابی می‌خرند. کتاب‌خوان حرفه‌ای، سخت‌گیر و کتاب‌شناس است و سراغ ناشرانی نمی‌رود که کارهای سخیف و کپی‌شده منتشر می‌کنند. او کتاب را پیش از خرید ورقی می‌زند و بررسی می‌کند و در صورت ویراسته بودن برایش هزینه می‌کند.

او معتقد است: گرانی روزافزون، تورم و به‌ویژه افزایش قیمت کاغذ باعث شده برخی ناشران که دنبال منفعت دم دستی خود هستند، از کیفیت بزنند و کتاب‌هایی با ترجمه‌های ضعیف یا ناویراسته به بازار عرضه کنند. این کتاب‌ها به‌تدریج در ذائقه مخاطبانشان اثر منفی می‌گذارد و باعث می‌شود این گروه در نوشتن خود، ناخودآگاه از این الگوهای غلط و ناویراسته استفاده کنند و به‌تدریج این غلط‌ها و آسیب‌ها در زبان فارسی رواج یابد. مثلا وقتی مترجم ترجمه ماشینی می‌کند و decide را فقط تصمیم گرفتن معنا می‌کند، خروجی کارش می‌شود این: «تصمیم گرفت که بدش نمی‌آید گربه نگه دارد»! در اینجا ویراستار خبره به‌جای «تصمیم گرفتن» از «دید، متوجه شد، به این نتیجه رسید و...» استفاده می‌کند. اما اگر ویراستاری کاربلد در کار نباشد و متن با همان ترجمه غلط چاپ شود، به مخاطب القا می‌شود که می‌توانند «تصمیم گرفتن» را در معانی دیگر هم استفاده کنند.

سرویراستار مؤسسه «ویراستاران» بر این باور است: ویراستاران مرزداران گمنام عرصه فرهنگ ایرانی اسلامی و زبان فارسی هستند و جلو ورود تعابیر و ساختارهای غیرفارسی و غلط به زبان فارسی را می‌گیرند. این گروه اگر نتوانند زندگی خود را با درآمد اندک ویرایش تأمین کنند، نخواهند توانست در صنعت نشر به فعالیت خود ادامه دهند و همین باعث می‌شود در نگاه کلان، روزبه‌روز توانایی فارسی‌زبانان در کاربرد زبان فارسی کمتر شود.

او معتقد است ویراستار خوب، صنعت نشر را کارگردانی می‌کند و ناشری که بر اثر گرانی کاغذ و... توان مالی به‌کارگیری ویراستار خوب را نداشته باشد، نخواهد توانست آثاری درخور منتشر کند و درنتیجه نمی‌تواند به فعالیت حرفه‌ای خود ادامه دهد.

حیدری ثانی خاطرنشان می‌سازد: ما در کارگروه تعرفه قیمت انجمن صنفی ویراستاران، درباره افزایش سالانه در نرخ‌نامه ویرایش با این مشکل روبه‌رو هستیم که ازطرفی، بدون افزایش قیمت و لحاظ کردن تورم، دستمزد ویراستارها همگام با گرانی‌ها پیش نمی‌رود و این صنف نخواهد توانست به فعالیت خود ادامه دهد. از آن طرف، با افزایش تعرفه قیمت‌ها براساس میزان تورم، ناشران توان همکاری با ویراستارهای کاربلد را ندارند. همین باعث شده هنگام به‌روزرسانی نرخ‌نامه مجبور باشیم دست بسته و حداقلی عمل کنیم.

او در پایان یادآور می‌شود که با همه این دشواری‌ها، البته نشر ایران راه خود را رفته و ناشران خوب و ویراستاران حرفه‌ای با همه رنج‌ها و غم‌ها توانسته‌اند سرپا بمانند. سیدحمید حیدری ثانی امیدوار است سرانجام با تدبیر مسئولان، تورم و افزایش قیمت‌ها روالی عادی پیدا کند تا این صنف و صنعت که عهده‌دار فرهنگ و اندیشه این مردم فرهیخته هستند، در فرایندی عادی و طبیعی به فعالیت خود ادامه دهند.

خادم

گزارش

طراحی جلد علاوه بر ایجاد زیبایی و جذابیت‌های بصری، اگر هوشمندانه انجام شود می‌تواند شمایی کلی از کتاب و محتوای آن بدهد یا حتی معمایی خلق کند و کنجکاوی برانگیزد. در مرحله بعد، انتخاب فونت مناسب و صفحه‌آرایی خوب نیز در خوش‌خوان کردن یک کتاب، فارغ از محتوای آن، اثرگذار است. همچنین ویرایش می‌تواند گره‌های مفهومی متن و اشتباه‌های نگارشی و دستوری نویسنده یا مترجم را به حداقل برساند و کار انتقال پیام و مطالعه را برای مخاطب آسان‌تر و روان‌تر کند. اما افزایش هزینه‌ها مانند هر چیز دیگر در کیفیت کار گرافیست‌ها و صفحه‌آراها و ویراستاران نیز تأثیرگذاشته است. احسان رضایی، طراح و گرافیست، می‌گوید بسیاری از ناشرانْ دیگر هزینه طراحی جلد خوب را نمی‌دهند و به‌جای استفاده از طراحان حرفه‌ای و باتجربه و خلاق، نیروهای تازه‌کار استخدام می‌کنند تا با کمترین هزینه ممکن، جلد طراحی کنند. او این کار را آسیبی برای صنعت نشر می‌داند که هم مخاطب را از دست گرفتن اثری با زیبایی و طرح خوب محروم می‌کند هم باعث می‌شود به‌مرور و به دلیل کم‌شدن سفارش‌ها چشمه خلاقیت گرافیست‌هایی که در این حوزه کار می‌کنند، بخشکد و آن‌ها از این حوزه دور شوند. سیدحمید حیدری ثانی هم که ویراستار است تأثیر گرانی بر حرفه خودش را تأیید می‌کند و می‌گوید سفارش‌ها کمتر شده و ناشر و نویسنده اگر توانایی کمی داشته باشند یا قید ویراستاری را می‌زنند یا می‌روند سراغ ناویراستارانی که کمکی به بهبود متن آن‌ها نمی‌کنند و در هر صورت دودش به چشم مخاطب می‌رود.